



سوی دیگر تکنولوژی را برای اهداف اقتصادی یا راهبردی به کار بگیریم. مشکل دیگری که داریم روند های برگشت پذیر در حوزه اقتصادی و راهبردی است.

با توجه به اینکه فرمودید ایران را هکار دومی را برای توسعه بر گزیده است این بهره گیری از نظام شبکه ای با توجه به تحریم ها چگونه صورت خواهد گرفت؟ ضمن آنکه آیا این موضوع به خود اتکایی لطمه وارد نمی کند؟

در این میانه بحثی وجود دارد و آن بحث ساختار و شبکه است ساختار تمایلی ندارد که ما ارتقای موقعیت داشته باشیم اما شبکه در اختیار هیچ کس نیست شبکه یک فضای بازی است که هر کس می تواند در آن نیاز های خود را به نوعی تامین کند در فضای شبکه مبادله راحت انجام می شود و در آن ماتراکم مکان داریم بدین معنی که دسترسی ما به منابع بیشتر خواهد بود چنین نیست که ما اگر خارج از مداری قرار داشته باشیم نتوانیم به منابع مورد نیاز مان دسترسی پیدا کنیم. ساختار نظام شبکه ای به گونه ای است که شما بخشی از آن خواهید شد. امروز تولید و بازار ماهیت شبکه ای دارد.

آیا این به خود اتکایی لطمه وارد نمی کند؟

طبعاً وقتی که شما وارد فضای شبکه ای شدید می توانید بخشی از نیاز هایتان را برای کوتاه مدت تامین کنید اما برخی از مجموعه های دیگر هم می توانند وارد فضای همان شبکه بشوند و دسترسی های شما را کور کنند به طور مثال جهان غرب از طریق تحریم مالی و بانکی ایران سوئیفت های انتقال پول را کور کرد و در نتیجه ما برای مبادله مالی دچار مشکل هستیم. بیش از یکصد میلیارد پول از کشورهای هند، چین، کره جنوبی و ژاپن طلب داریم اما هنوز نمی توانیم دریافت داشته باشیم زیرا امکان دسترسی به شبکه کار دشواری است.

پس این امکان هر لحظه وجود دارد که شبکه برای ما بسته شود؟

نه شبکه در ذات خود این قدرت را دارد که می تواند موانع به وجود بیاورد ولی قبل از اینکه موانع به وجود بیاورد دشمنی می تواند شبکه فرعی ایجاد کند به گونه ای که دسترسی اقتصاد جهانی به آن بسیار محدود باشد که طبعاً حوزه خود اتکایی را محدود می کند ولی موقعیت ما را در مقایسه با الگوی روابط بین دولتی یا روابط سازمان یافته دوران گذشته ارتقا داده و بهبود می بخشد.

برخی اعتقاد دارند ایران در موضوع هسته ای به جایگاهی دست یافته که موجب شده مسئولان عالی دیپلماتیک ۶ کشور بزرگ با او بر سر یک میز بنشینند نگاه دیگر هم اعتقاد دارد این مذاکرات فقط هزینه بر بوده و نشانه اقتدار ایران نیست نظر شما در این باره چیست؟

نظام جهانی تمایل به دستیابی ایران به قدرت هسته ای ندارد. قدرت هسته ای شکل های مختلفی دارد که یک بخش آن ظرفیت هسته ای است بخش دیگر قابلیت هسته ای است. قابلیت هسته ای در قالب سانتریفیوژ و فیوز های انفجاری معنا پیدا می کند و بخش دیگری توانایی هسته ای است یعنی زمانی که ایران بتواند از قابلیت هسته ای اش هم از بازه نظامی و هم اقتصادی و تکنولوژیک استفاده کند. جهان غرب نگاهش این بوده که ایران به قابلیت هسته ای صلح آمیز دست یابد، قابلیت صلح آمیز بدین معنا بود که در فضای نظارت پادمانی قرار بگیرد، نظارت پادمانی در ابتداء فضای ان پی تی معنا پیدا می کرد اما از سال ۱۹۹۰ باید آن را در چارچوب پروتکل الحاقی تحلیل کرد بنابراین نظام جهانی روز به روز محدودیت های خود را برای کشور هایی همانند ایران افزایش می دهد در این وضعیت ایران اگر خواسته باشد به قابلیت هسته ای دست یابد باید دو اصل را مورد توجه قرار دهد یک سرعت عمل و دوم تنوع منابع و قابلیت هاست.

سرعت عمل در چه چیز؟

سرعت عمل در بازه ارتقای قابلیت های تکنولوژیک اگر خواسته باشد ایران به این دو اصل توجه نکند به وضعیت امروز دچار می شود وضعیت کنونی در فرآیند عقب نشینی است. یعنی ما هگزافلوراید اورانیوم مان را اکسید کردیم و اکسید را تبدیل به میله سوخت کردیم همین مسئله یعنی ۹۰ درصد کار آمدی قابلیت هسته ای ایران کاهش می یابد. سوال اینجاست که چرا

ایران تحریم شد پاسخ این است: به دلیل اینکه دارای منابع هگزافلوراید اورانیوم بود. حالا ما این منابع را از دست می دهیم پس باید در این شرایط از وضعیت تحریم خارج بشویم اما تمامی شواهد نشان می دهد که ما قابلیت های تکنولوژی مان را در حاشیه قرار می دهیم قابلیت هسته ای مان را تخریب می کنیم اما تحریم ها هنوز بر سر جای خود باقی است یعنی باز گشت پذیری ما منجر به تامین منافع ما نشد.

چرا آنچه که شما به عنوان عقب نشینی مطرح کنید عمتاً تیم مذاکره کننده شفاف سازی معنی می کنند. نظر شما چیست؟

شفاف سازی یک معنای خاص دارد شفاف سازی از منظر ما به مفهوم این است که به پادمان هسته ای و آنچه که در قالب ان پی تی گفته شده توجه داشته باشیم یعنی اطلاعاتی که آژانس از ما می خواهد در قالب ان پی تی بدهیم شفاف سازی از سوی جهان غرب به معنای آن است که هر تاسیساتی که داری و هر برنامه ای که دنبال می کنی به اطلاع آژانس برسانی به همین دلیل است که تمامی تاسیسات هسته ای ما در وضعیت مانیوتورینگ قرار دارند مهم نیست که ما چه اسمی رویش بگذاریم مهم این است که امروز جهان غرب در وضعیت آرمش قرار دارد چون همه قابلیت هایی که ما داشتیم تحت کنترل است. این شفاف سازی که انجام می گیرد باید ما به آن داشته باشد بحثی که ما می گوئیم این است که ما به آن حاصل نشده است یا این ما به آن بسیار محدود بوده است. و این ما به آن در بحث تحریم هاست یعنی ۶ تحریم از سوی شورای امنیت صادر شد و علاوه بر آن تحریم های یک جانبه آمریکا و اتحادیه اروپا اعمال شد. ما هنوز در آغاز کار هستیم یعنی مطالبه ای که جامعه دارد این است که انعطاف ما در برابر ۱+۵ باید متوازن می بود با پایان دادن به تحریم های آمریکا و اتحادیه اروپا.

به نظر شما آیا ممکن است به این نتیجه در پایان مذاکرات رسید؟

نه... امکان به این نتیجه رسیدن وجود نخواهد داشت به این دلیل که سنگ بنای مذاکرات خوب شکل نگرفته است و آن مربوط به طرح اقدام مشترک است که در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ تنظیم شد و از آن مقطع زمانی تا امروز که من و شما در حال مصاحبه هستیم ۱۶ ماه گذشته است. اگر آن روز به آقای ظریف می گفتید شما ۱۶ ماه درگیر این مسئله خواهید بود هیچ گاه قبول نمی کرد و به این دلیل مذاکرات طولانی شده است که ما امتیازات لازم را در قالب اعتماد سازی و شفاف سازی دادیم و امتیاز متوازن را در ارتباط با تحریم ها به دست نیاوردیم و این یک مشکل بنیادینی است که تیم سیاست خارجی آقای روحانی با آن روبرو است اما یک مشکل دیگر نیز آقای روحانی با آن روبرو است که حتی ممکن است برایش فرصت نیز باشد و آن سیاسی کردن موضوع مذاکرات هسته ای توسط گروه های هیجانی با رویکردهای پوپولیستی است که به عنوان گروه های دلواپس از آن ها نام برده می شود. سیاسی و جناحی کردن مذاکرات مشکل بزرگی را برای کشور ایجاد می کند. هر کس انتقادی می کند باید راه حل نشان بدهد و بگوید شما در این مقطع زمانی باید چه کار هایی را انجام بدهید. اگر هدف این باشد که روحیه طرف مقابل را تخریب بکند فضای پنهان کاری را در مذاکرات هسته ای به وجود می آورد. ماقبل دیپلمات هایی داشته ایم که مذاکراتی را انجام می داده ولی واقعیت مذاکره را به نهاد های رسمی ایران منتقل نمی کرده و امکان این وجود دارد محدودیت هایی که مجموعه های پوپولیستی ایجاد می کنند مشکلی را در مذاکرات هسته ای به وجود بیاورد به طور مثال به جای اینکه به محتوای مذاکرات بپردازند به این می پردازند که آقای ظریف و کری در هتل محل اقامت با یکدیگر قدم زدند. مذاکره می تواند در وضعیت های مختلفی انجام بشود همانطور که مصاحبه می تواند در وضعیت های متفاوتی انجام شود اصلاً چه کسی گفته که طرف های مقابل باید نشستند مذاکره کنند مسئله مهم محتوا است و باید به آن توجه داشت ولی این محتوا تا کنون برای تیم مذاکره کننده نتیجه مطلوبی نداشته حتی بحث های امروزی که منجر به این شده تا آقای صالحی و حسین فریدون به ژنو بروند

تماماً مربوط می شود به مسائل سانتریفیوژ ها. سوالی که مطرح می شود آن است که آیا ما بر اساس این مذاکرات می توانیم R&D را در رابطه با نسل جدید سانتریفیوژ ها انجام بدهیم می توانیم سانتریفیوژ های نسل ۳ و ۴ و ۵ را نصب کنیم. این مسائل بسیار مبهم است و به همین دلیل اگر مذاکرات بدون توجه به منابع قدرت ایران انجام بشود در آینده چالش هایی را برای تیم مذاکره کننده و دولت آقای روحانی ایجاد می کند.

بنابر این در فضای موجود فکر می کنم فرصت ها در حال پایان یافتن است در خیلی از موارد مذاکره برای مذاکره انجام شده است. ۱۶ ماه مذاکره با این مقدار دستاورد یعنی فقط ۸ میلیارد دلار پول بلو که شده ما آزادی می شود که مطلوبیت چندانی به لحاظ تکنیکی محسوب نمی شود.

دور نمای مذاکرات به کجای انجامد؟

من فکر می کنم مذاکرات تاثیر ماه ادا می می یابد بحث های حل نشده زیادی خواهد داشت درست است که در مذاکرات ۲۲ و ۲۳ فوریه آقای دکتر صالحی و آقای فریدون به عنوان نماینده رئیس جمهور حضور دارند اما این مسئله نمی تواند خارج از توافق اولیه باشد تیم مذاکره کننده ایرانی در آن دوران خیلی تعجیل داشت چرا که می خواست در کمتر از آن صد روزی که آقای روحانی روی آن تاکید داشت مسئله مربوط به تحریم ها را پایان بدهد و به همین دلیل آنقدر عجله کرد که نتوانست هدف های خود را متناسب با امتیازاتی که داده بود به دست بیاورد. رویکردی که من دارم این است که توافق اجتناب پذیر است امانی می توان آن را توافق جامع هسته ای نام نهاد یعنی توافق هسته ای حاصل خواهد شد ولی توافق جامع نخواهد بود زیرا خیلی از بحث ها باقی می ماند مواردی چون اینکه آیا ایران پروتکل الحاقی را که قبلاً پذیرفته بود «رتی فای» خواهد کرد یا نه. این موضوعی است که مجلس باید در مورد آن نظر بدهد و مجلس هم آن را نمی پذیرد. ضمن آنکه مجلس به طور کلی نسبت به موضوع مذاکرات هسته ای منتقد است، علت اینکه مجلس واکنش جدی در رابطه با تیم مذاکره کننده نشان نداده ناشی از اراده رهبری نظامی سیاسی محسوب می شود و این اراده مبتنی بر منافع ملی است زیرا زمانی که مذاکرات انجام می شود مانند وقتی است که افراد در سنگر های نظامی قرار دارند، در آن شرایط بهانه جویی مطلوبیتی ندارد بلکه باید هدایت کرد و حمایت حداقلی را در فضای غیر بحران سازی به وجود آورد.

تصور تان در مورد لابی اسرائیل چیست؟ و اینکه برای نتیجه حاصل از مذاکرات باید چه نقشی را برای کنگره آمریکا قائل شد؟

توافق جامع هسته ای را باید هم مجلس ایران و هم مجلس سنا آمریکا مورد تأیید و تصویب قرار دهد یعنی یک قرار داد محسوب می شود چون مسئولیت و تعهداتی را برای نظام سیاسی به وجود می آورد نه فقط یک دولت به همین خاطر یکی از بحث ها تصویب این توافق است نکته دیگر تیمی است که در مذاکرات هسته ای حضور دارند تیمی که از سوی آمریکا حضور دارند مجموعه هایی هستند که دارای مطالعات هسته ای اند دارای رویکرد امنیتی نسبت به آن هستند و تابه حال ده ها مقاله علمی در جهت محدود سازی قابلیت هسته ای ایران نوشته اند در اتقا های فکر آمریکا نقش آفرین بوده اند و حوزه تخصصیشان همین بحث های هسته ای بوده در حالی که دیپلمات های ما موضوعات هسته ای را غیر تخصصی پی گیری کردند به ویژه تیم مذاکرات اقدام مشترک مذاکره یعنی دیالوگ مذاکره نیازمند یک پشتوانه تخصصی در ارتباط با موضوعات تکنیکی مختلف و نیازمند یک قابلیت راهبردی حمایتی است برخی از مواقع تیم های مذاکره کننده در دوره های مختلف احساس سوپر منی بهشان دست می دهد و این یک واقعیت تکرار شونده است و به همین دلیل است که هیچ گاه نتیجه مشخصی به وجود نیامده است. علت این است که تیم مذاکره کننده در صدد نبوده از تمام قابلیت های اقتصادی و راهبردی فکری و تحلیلی کشور بهره بگیرد این تنها مربوط به دولت آقای روحانی نیست اما در دوران های قبلی توافق حاصل نشد در نتیجه تعهدی هم برای دولت ایران به وجود نیامد اما الان توافقاتی انجام شده که مسئولیت آور است.

